

درود بر همبستگی ملی و روحیه همیاری مردم!

جاری شدن سیل در بسیاری از مناطق ایران فجایع انسانی غمباری به بار آورد و خسارات بسیاری بر جای گذاشت. گرچه هنوز بارش شدید در کشور برجاست و امکان تخریب چندین استان وجود دارد و نقاطی از میهن همچنان در کابوس سیل و طغیان رودخانه‌ها به سر می‌برند، در برابر اما نیروی بلندقامت مردمی و مستقل از حکومت جهت غلبه بر عوارض بحران نیز قد برافراشته و می‌افرازد. به وساطت طغیان طبیعت، خیزش مستقل مردم سر برآورده است.



فاجعه این سیل، به‌طور هم‌زمان واقعیت‌های معنی‌داری در معرض دید همگان قرار داده که درنگ بر آنها ضرورت بسیار دارد. از بارزترین آنها، یکی ناکارآمدی جمهوری اسلامی در قبال سوانح طبیعی است. دیگری بی‌اعتمادی عمومی در جامعه نسبت به کارایی نهادهای حکومتی در برابر سوانح طبیعی و بحران‌های زیست‌محیطی و اما بارزترینشان، همانا بروز و رشد روحیه همیاری بر متن همین بحران‌ها در میان خود مردم در مناطق سیل‌زده است! شیراز و ترکمن‌صحرای سیل‌زده و قربانی داده، در جریان این حوادث نمونه درخشانی از تعاون انسانی و همبستگی ملی را عرضه کردند. گروه‌های همیاری که در سطح کشور از مدت‌ها قبل سازمان یافته‌اند، بلافاصله به کمک مردم سیل‌زده شتافتند.

شیراز را بسیاری به مهمان‌نوازی می‌شناسند، اما آنچه مردم این شهر در جریان غرقاب تلخ پسا نوری امسال از خود به تماشا نهاد، غروری شگفت‌انگیز آفرید. در کنار فداکاری‌های ستودنی اهالی آن برای نجات سیل‌زدگان، چنان نهضت مردمی در شهر راه افتاد که احترام همگان را برانگیخت و آوازه‌اش در سراسر ایران پیچید. درب گشوده منازل روی مسافران نوری، ثبت گسترده شماره تلفن‌های اهالی بر درودیوارهای شهر جهت دعوت بی‌خانمان‌ها به خانه‌هایشان، پذیرایی رایگان از سوی رستوران‌ها، اقامت در هتل‌ها و حتی کار شبانه‌روزی واحدهای تعمیراتی به‌منظور بازسازی ماشین‌های آسیب‌دیده بی‌هیچ دستمزد و نیز انواع ابتکارات و از خودگذشتگی‌ها. در ترکمن‌صحرا هم همیاری برجسته بود. مردم بندر ترکمن روزانه برای چندین هزار سیل‌زده غذا درست می‌کنند. مردم گمیشان با درست کردن سیل‌بند با کیسه شن به‌طول بیش از چهار کیلومتر در طی یک روز، نگذاشتند سیل وارد شهر شود. این یک جنبش اجتماعی است، خودپو با محتوی عمیقاً انسانی و در چهره همیاری و همبستگی ملی.

شیراز و ترکمن‌صحرا حال و کمک مردم مناطق دیگر به سیل‌زدگان، هوای ایران کنونی را نشان می‌دهند. ایرانی که تنها با بیگانگی دما‌فزون دولت و ملت نسبت به یکدیگر مواجه نیست، بلکه در آن اعتماد درون ملتی رو به رشد و تقویت دارد. بین آن بی‌اعتمادی‌های فزاینده مردم نسبت به حکومت و این شکل‌گیری جنبش‌های همیاری مستقل و متکی بر خودمردمی، رابطه‌ای تنگاتنگ برقرار است. شیراز اعتلای همیاری‌ها در ترکمن‌صحرای را نشان داد و گلستان، تکرار سطح بالای کمک‌های مردمی سر پل ذهاب سال پیش را. بهمان اندازه که بیشترین دغدغه حکومتی‌ها در اوج بحران‌های طبیعی و بجای متمرکز کردن همه قوای دولتی و اعزام گسترده ارتش برای کاستن از عوارض خسارات، متوجه جنب‌وجوش مستقلانه مردم و بیم از آنها می‌شود، از این‌رو هر چه که جلوتر می‌آییم اتکای مردم بر خود در موضوع یاری‌رسانی‌ها بیشتر و بیشتر می‌شود. دولت حساب‌های بانکی اعلام‌شده برای کمک به آسیب‌دیدگان را می‌بندد و دادستانی حکومت تهدید می‌کند که با شایعه‌سازی‌ها در رابطه با سیل و زلزله و سوانح طبیعی دیگر و در واقع حرکات خودجوش مردمی مصمم به همت و کمک مستقل از نهادهای قدرت، برخورد‌های قاطع خواهد کرد!

در ایران امروز حتی بحران‌های ناشی از خشم طبیعت هم سریعاً رنگ و بوی سیاسی به خود می‌گیرند و بدل به عرصه تقابل اجتماعی مردم و حکومت می‌شوند و دقیقاً نیز به تقصیر جمهوری اسلامی. مردم با اعداد و ارقام صریح و غیرقابل تفسیر که به آنها دست می‌یابند به مقایسه سهم اندک بودجه‌ای نهادهای موردنیاز خود با هزینه‌های نهادهای انگلی و سرکوبگر جمهوری اسلامی می‌پردازند و از این بی‌عدالتی خشمشان از حکومت بیشتر و فاصله‌شان با آنها عمیق‌تر می‌شود.

در شهریور ۱۳۵۷ زلزله طیس با همه دهشت و گستردگی تلفاتش، بدل به صحنه نمایشی شد برای تقابل مردم با حکومتی که دیگر مشروعیتی میان ملت نداشت. در این زلزله، یک گسست کامل بین قوای امداد دولتی با داوطلبان مردمی که درعین‌حال نیروی انقلاب هم بودند به چشم می‌خورد. در زلزله سهمگین رودبار که ۱۲ سال بعد در جمهوری اسلامی رخ داد کمک‌های مردمی هنوز در وجه عمده خود از مسیر دولت وقت گذشت، در زلزله ۱۳۸۲ بم که ۱۳ سال پس از ویرانی رودبار و منجیل

اتفاق افتاد، نهادهای مردمی مستقل از جمهوری اسلامی همچون رکنی از کمک‌رسانی مستقلانه سر برآوردند. در زلزله ۱۳۹۱ کلیبر آذربایجان کمک‌رسانی مردمی جدا از دولت آن‌چنان ابعادی به خود گرفت که حکومتی‌ها چندین گروه امداد‌رسان مستقل را دستگیر کردند. اما زلزله سر پل ذهاب سال پیش در عین مصیبتی که بار آورد، کوس رسوایی جمهوری اسلامی را هم نواخت. باختراں جدایی کامل ملت از دولت را در ابعادی بسیار به نمایش گذاشت و اکنون ترکمن‌صحراها و شیرازهای پرشور و نیز همه ایران برانگیخته در برابر جمهوری اسلامی راداریم.

حزب چپ ایران (فدائیان خلق) ضمن درود به مردم شیراز، ترکمن‌صحرا و دیگر مناطقی که چنین همبسته به یاری همدیگر شتافتند، روح ملی برانگیخته‌شده در ایران امروز را، هم یک منبع قدرت برای تغییر و هم برای سازندگی دانسته و آن را نشانه خودباوری ملی و بروز اراده جمعی تلقی می‌کند. این روحیه مایه اتحاد ملی، نه فقط در برابر خشم طبیعت که مقابل جور حکومت است. جمهوری اسلامی از این روح تعاون در وحشت است زیرا آن را آستن همبستگی سیاسی می‌بیند. مائیم که باید قدر این برآمد همیاری و همبستگی را بدانیم.

هیئت سیاسی - اجرائی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

۱۰ فروردین ۱۳۹۸ (۳۰ مارس ۲۰۱۹)